

فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری
شماره چهل و چهل و یکم ۸۶-۱۳۸۵ صص ۹۹-۱۲۸

تعاملات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در اسلام،

سپری در برابر حربه اتهام غرب

علی ملکی^۱ «۸۵/۰۷/۳۰»

چکیده:

حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه دو شاخه مجزا از حقوق بین‌الملل عمومی هستند که گستره شمول متفاوتی را در برمی‌گیرند. هرچند که در نهایت هدف هر دو حمایت از انسان است، لکن نقطه تلاقی آنها در حالت استثنایی و به «هسته سخت» حقوق برمی‌گردد. در حقوق اسلام این دو شاخه حقوقی از هم تفکیک نشده و به عنوان یک امتیاز و برتری نسبت به حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بشر در زمان جنگ هم قابل اعمال است. بعلاوه در حقوق اسلام مقررات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در مخاصمات غیر بین‌المللی (داخلی) هم اعمال می‌شود. در حالی که در عرصه بین‌المللی این مبارزات بدون رعایت بسیاری از قواعد انسانی و با شدت سرکوب می‌گردد. برخلاف بسیاری از اتهامات نقض حقوق بشر به اسلام، بسیاری از قواعد اسلامی کامل‌تر و همه‌گیرتر از اصول شناخته شده بین‌المللی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، جنگ، حقوق بین‌الملل اسلام، قرآن، سنت

مقدمه:

امروزه، اگر نگوییم مهمترین اما می‌توان گفت یکی از مهمترین مباحث روز مسأله حقوق بشر است که در عرصه بین‌المللی جایگاه در خور توجه ای یافته است، به نحوی که در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به اجلاس سپتامبر ۲۰۰۵ سران کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد تشکیل شورای به نام «شورای امنیت حقوق بشر» ارائه شد. تا جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گردد و نه تنها از سیاسی شدن مفهوم حقوق بشر، که رویه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد شده است و گزارشات مغرضانه آن بکاهد، بلکه از قدرت اجرایی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار باشد و در صورت ضرورت بتواند از زور استفاده نموده و با موارد نقض حقوق بشر به عنوان راه حل نهایی برخورد نظامی نماید (عقیده پرزیدنت بوش) اما واقعیت امر آن است که جایگزین ساختن برای کمیسیون حقوق بشر و سیاسی بودن کار این رکن سازمان و اظهاراتی از این قبیل، ساختگی و دستاویزی برای اهداف قدرت‌های بزرگ جهانی به‌ویژه آمریکا است. چه آنکه اولاً اگر سیاسی بودن گزارشات نقض اصلی کمیسیون باشد، این نقض در درجه اول به گزارشات تنظیمی ابرقدرتها و به ویژه وزارت خارجه آمریکا و متهم ساختن سایر کشورها برمی‌گردد. ثانیاً حربه این اتهام به سمت و سوی کشورهای مسلمان و جهان اسلام است که هر روز به بهانه‌های متفاوت، کشورهای به اصطلاح مدرن امروزی با مظاهر اسلامی به شدت برخورد می‌نمایند؛ منع حجاب برای مسلمانان در بسیاری از کشورهای دارای سیستم لائیسته، تروریست خواندن «همه مسلمانهای دنیا» به صرف مواجهه با یک گروه تروریستی افراطی در لوای اسلام، مسکوت گذاردن نقض شدید حقوق بشر از جمله قتل و کشتار و نقض حق مسلم تعیین سرنوشت مردم فلسطین و اشغال سرزمین‌های آن در کنار حمله به سایر کشورهای مسلمان به بهانه تروریسم اسلامی و... شاهدهی بر این مدعاست که مشکل اصلی از نظر مدعیان حقوق بشر ضعف و کاستی‌های سیستم کنونی حقوق بشر در عرصه بین‌المللی نیست بلکه حداقل یک بخش عمده از اهداف قدرت های غربی ناقص جلوه دادن حقوق بشر اسلامی و عملکرد کشورهای مسلمان است. در حالی که در شریعت ما نه تنها مواردی از توسعه و رعایت حقوق بشر دیده می‌شود که در حقوق بشر غربی مفاهیمی ناآشناست، بلکه از طریق اجتهاد پویا در گذر زمان، مجوز به روز نمودن بسیاری از احکام ناموافق با زمان داده شده است. لذا اگر کاستی و نقض حقوق بشر نیز در کشورهای مسلمان (مثل بسیاری دیگر از کشورهای مدعی حقوق بشر غربی) وجود دارد به عملکرد دولتمداران مسلمان در جهان سیاست برمی‌گردد نه دین اسلام. بحثی که در این نوشتار به آن می‌پردازیم رویکرد اسلام و جوامع اسلامی به مسأله حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و مناسبات میان این مفاهیم در حقوق

اسلامی در مقایسه با تحولات و جایگاه بین‌المللی آن است. ضروری است برای پرهیز از خلط مطلب برخی واژگان اساسی تحقیق، تبیین و تعریف شوند.

۱- مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر را می‌توان حقوقی تعریف کرد که در آن حقوق بشری محوریت دارد و در واقع قاعده آن هرم را تشکیل می‌دهد و شامل مجموعه‌ای از ارزشها، مفاهیم، اسناد و ساز و کارهایی می‌شود که به منظور حمایت از مقام و منزلت و کرامت انسانی است. خاستگاه اصلی آن هم به بینش‌های مذهبی فلسفی سیاسی و آنچه که در مکتب حقوق طبیعی است برمی‌گردد^۱ که از عقاید و نوشته‌های جان لاک و نویسندگان عصر روشنگری اروپا برآمده یا آرمانی حقوقی است که از منشور بزرگ (Magna-carta) ریشه گرفته است.^۲ البته تفاوت عمده‌ای که با حقوق طبیعی دارد آن است که برخلاف حقوق طبیعی که در ذات و سرشت هر کسی وجود دارد و ناخودآگاه است، مفهوم حقوق بشر دارای جنبه آگاهانه و ارادی است.^۳

۲- تعریف حقوق بشر دوستانه

حقوق بین‌المللی بشر دوستانه که تحت عناوین حقوق درگیری‌های مسلحانه یا حقوق جنگ هم نامیده می‌شود، از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است و مشتمل بر قواعدی است که هدف آن حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در محاصره شرکت نکرده‌اند یا آن را ترک کرده‌اند و دیگری، محدود کردن روشها و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می‌شود.^۴ و در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی کاربرد دارد و در واقع حقوق بشر دوستانه، حقوق انسانی زمان جنگ است.^۵ و همانطور که از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ آن مبتنی بر دکترین مارتنز برمی‌آید، فرد انسانی در

۱- ضیائی بیدگلی، محمدرضا- حقوق بشر حقوق بشر، دوستانه، حقوق بین‌الملل بشر- مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۱۳۸۲ انتشارات سرسم) ص ۸۰ و ۸۱

۲- نکین لویی، حقوق بشر از آرمان تا واقعیت و چشم انداز آینده آن □ ترجمه فرشید سرفراز، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی سال نوزدهم شماره ۲۰۶-۲۰۵ (تهران، مهر و آبان ۱۳۸۳) و ص ۳۹ و ۳۸.

۳- زراعی، محسن، سخنرانی با عنوان «مبانی و مکاتب حقوق بشر و رویکرد دولت‌ها به آن» در اولین دوره کارگاه‌های آموزش حقوق بشر (تهران، زمستان ۱۳۸۳، دانشکده اقتصاد و آمار دانشگاه علامه طباطبائی).

۴- مجموعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، پاسخ به سوالات شما، به کوشش کمیته ملی حقوق بشر دوستانه ترجمه هاجرستمی (تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱) ص ۸.

۵- ضیائی بیدگلی، محمدرضا، پیشین، ص ۸۲.

صورت نبود قواعد حقوقی لازم الاجرا تحت حمایت اصول انسانی و وجدان عمومی قرار می‌گیرد.^۱

۳- مفهوم شناسی کمک‌های بشر دوستانه

سابقه کمک‌های بشر دوستانه به اسواسط قرن نوزدهم یعنی دوره شکل‌گیری مبانی اولیه حقوق جنگ یا حقوق بشر دوستانه باز می‌گردد. دوره‌ای که بشر دریافت به منظور کاهش آلام بشری لازم است به اقدامات امدادی در بحران‌های ناشی از جنگ همت گمارد. کمک‌های بشر دوستانه در ابتدا محدود به بحران‌های دوران خشونت می‌شد ولی با تحولات دهه پنجاه میلادی قرن بیستم به بلایای طبیعی هم تسری پیدا کرده و اقدامات اضطراری در موقعیت‌های حفظ حیات و تامین سلامت بدون تمایز از حیث ملیت، نژاد جنس، طبقه (class) مذهب یا عقاید سیاسی را (نیز) در برمی‌گیرد. و سه اصل انسان‌دوستی (Humanity) عدم تبعیض (impartiatity) و بی‌طرفی (Neutrality) را در برمی‌گیرد. به علاوه کمک‌های بشردوستانه باید از مداخله در امور داخلی دولت‌ها تفکیک شود.^۲

۴- حقوق بشریت

حقوق بشریت یا به تعبیر دیگر حقوق بشر جمعی، مقوله‌ای است غیر از حقوق بشر در مفهوم کلاسیک آن و آنچه که حقوق بشریت گفته می‌شود نه حقوق تک تک افراد بلکه حقوق جمع آنهاست و در دو بعد تقسیم می‌گردد یکی حقوقی که اصطلاحاً نسل سوم حقوق بشر گفته می‌شود و شامل حق بر توسعه، حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم و ... است که حقوق همبستگی هم گفته می‌شود و بعد دیگر حقوق بشریت شامل حقوقی است که نفع بشریت در آن است و در واقع بحث میراث مشترک بشریت در اعماق دریاها و فضای ماورای جو است.^۳

بخش اول: بررسی حقوق بشر در اسلام

۱- مفهوم حقوق بشر از دیدگاه اسلام:

اگر با دید واقعیت‌گرا به «حقوق بشر» نگاه کنیم این مفهوم به لحاظ تازگی واژه و اینکه قدمت واژه به قرن گذشته برمی‌گردد نه تنها در اسلام بلکه در هیچ جای دیگر قبل از تحولات پس از جنگ جهانی دوم، چنین مفهومی را نداریم (صرف نظر از تجلی برخی از جنبه‌های حقوق

۱- آشنایی با حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به انضمام قراردادهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، تدوین کمیته ملی حقوق بشر دوستانه ایران (تهران، لیتوگرافی باختر، تابستان ۱۳۸۱)، ص ۳۰۴.

2- Four Round-tables-on dialogue on the humanitarian assistance,, united nation office for the coordination of humanitarian- affairs (OCHA) (Tehran university Faculty of law and political science, 18-20 April 2005), PP, 2-4

۳- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، پیشین، ص ۸۲.

بشر در اعلامیه ویلسن و احیانا سایر اسناد) اما اگر از دید مفاهیم مشابه به ماهیت حقوق بشر بنگریم و بررسی این امر مورد نظر قرار گیرد که حقوق بشر مجموعه حقوقی است که به هر انسان به واسطه انسان بودن وی تعلق می‌گیرد، قدمتی به بلندای تاریخ پیدایش بشریت دارد و مصادیق بارز آن در مکتب اسلام و قرآن کریم نمود پیدا کرده است به عنوان نمونه‌ای از این دریای بیکران در سوره الاسراء آیه ۷۰ آمده است «لقد کَرَّمنا بنی آدم...» (ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم)؛ کرامت نمی‌تواند مفهومی خارج از حقوق بشر داشته باشد یا در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر» (ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و تیره‌ها و قبایل متفاوتی قرار دادیم تا یکدیگر را بازشناسید، همانا گرمای‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست و خداوند دانا و آگاه است). عنصر اصلی و جان کلام آیه اصل مساوات و برابری حقوق انسان‌هاست. خطاب آیه به کل جامعه انسانی است نه گروهی خاص - مثل مومنان - و مهم‌ترین اصلی که ضامن نظم و ثبات جامعه است در این آیه بیان شده است خداوند در اینجا می‌فرماید: ای انسانها شما از حیث خلقت و آفرینش با یکدیگر مساوی هستید و چون والدین شما یکی است و اصل و نسب و ریشه واحدی دارید پس جایی برای افتخار کردن بر یکدیگر از حیث طایفه و نسب و قبیله وجود ندارد^۱ این مفهوم مساوات گاه به معنای برابری و اتحاد نیز بکار می‌رود و همچنین به معنای عدالت آمده است مساواتی که در اسلام از آن بحث می‌شود ضد تبعیض است و تبعیض در لغت به معنی تجزیه و در حقوق سیاسی به معنای به هم زدن اصل مساوات در حقوق است؛ آنجا که مجوز عقلی، قانونی یا عرفی برای آن وجود نداشته باشد. پس مراد همان تبعیض ناروا است. زیرا برخی از تفاوت‌ها بجا و عین عدالت خواهد بود^۲ پس از یک سو منظور از مساوات آن نیست که انسان‌ها تمایل و تشابه تام دارند زیرا این یک تخیل محض است که حتی دو موجود از جمادات از تساوی و تشابه کامل برخوردار باشند^۳.

لذا مساوات در مفهوم حقوق بشری آن به برابری همه افراد در استفاده از موهبت‌ها و نعمت‌های الهی و مزیت‌های اجتماعی است^۴ و بیانگر این امر است که نه تنها حقوق بشر در

۱- یزدی، عبدالمجید، نگاهی به مفاهیم مساوات انصاف و عدالت از دیدگاه اخلاق و حقوق اسلامی در مجموعه «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت» (تهران، فروردین ۱۳۸۳)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص ۶۱، ۶۰.

۲- همان، ص ۵۹.

۳- جعفری تبریزی، محمد تقی، سه اصل اساسی از اصول و مبانی حقوق بشر در اسلام، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» پژوهش، محمد بسته نگار، (تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰)، ص ۲۰۱.

۴- یزدی، عبدالمجید، پیشین، ص ۵۹.

اسلام ریشه حقیقی دارد بلکه با کمال وضوح اثبات می‌کند که حقوق جهانی بشر (حرکت تکاملی انسان) را هم به‌طور جدی دنبال کرده است.^۱

۲- سیری در حقوق بشر و جایگاه آن در اسلام (تجزیه و تحلیل مفهومی)

سوالی که مطرح است آنکه «حقوق» یک مفهوم عینی است یا تعریفی فرهنگی ایدئولوژیکی دارد؟ دانیلی، حقوق بشر را به عنوان «مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد رفتاری در اجتماع در مورد انسان‌ها لحاظ می‌کند. اما انتقاد وارد به این نظر آن است که اگر حقوق در واقع مجموعه‌ای از رویه‌های اجتماعی بوده و بتوان به صورت فرهنگی آن را از طریق نقشی که مردم در اجتماع بازی می‌کنند و از نقطه نظرهای متفاوت تاریخی بررسی کرد بنابراین نمی‌توان آن را به صورت جهانی اعمال کرد»^۲ اما آیا می‌توان استدلال کرد که حقوق بشر دارای مفهومی شناخته شده، متمرکز، دارای نورم‌های حقوقی بوده و توانایی آن را که به صورت یک مفهوم عینی تعریف شود، داشته و لذا دارای مفهومی به گستره جهانی برای کلیه جوامع و دارای معیارهای قابل تشخیص است؟ اگر بخواهیم تعریف ویس برود^۳ و واساک^۴ را که معتقدند حقوق بشر به صورت یک ایدئولوژی جهانی در آمده است بکار ببریم باید قادر باشیم مشخص سازیم که چه عواملی تشکیل دهنده «حقوق بشر» در متون معین بوده و کی و چگونه این حقوق بشر نقض می‌شود؟ در این صورت باید فرض کنیم حقوق بشر دارای مفهومی لایتغیر بوده که به سادگی قابل شناسایی است و صرف‌نظر از درجه تغییرات در ایدئولوژی فرهنگ، سیاست، محیط اقتصادی، تجارت و ...، در سطح جهانی قابل پذیرش است. چگونه می‌توان بیان کرد که مفهوم حقوق بشر صرفاً دارای مفهوم غربی است؟ (با فرض اینکه تنها با عرف و سنت‌های غربی قرابت دارد). آیا مذاهب و فرهنگ‌های سنتی دارای مفاهیم یکسانی با غرب و دارای ریشه‌های عمیقی در عقیده به جهان شمولی حقوق بشر نیستند؟ چه درجه‌ای از سازگاری یا سایر مناسبات میان حقوق مورد بحث در اسلام و حقوق بین‌الملل وجود دارد؟^۵ برخی از نویسندگان در زمینه مسائل حقوق بشر تلاش‌شان بر معرفی (این) مفهوم به عنوان عرف سنتی کشورهای غربی است و معتقدند که مفهوم حقوق بشر در حالت کلی آن، مستلزم و تایید کننده آزادی و حق برخورداری است و اصطلاح «تکلیف» با حقوق مرتبط نبوده و بیشتر محدود به کشورهای توسعه نیافته و جوامع غیر غربی از قبیل

۱- جعفری تبریزی، محمد تقی، پیشین، ص ۲۰۴.

2- Ali Sardar, shaheen, Gender and human right in Islam and international law, equal Before Allah unequal before mad (Publishen by Kluwer law International, Hugue Netherlond, 2000), PP.11, 12.

3- Weissbrodt

4- Vasak.

5- IBID ,PP.12.13

کشورهای مسلمان است و استدلال کرده‌اند که چنین موجودیتی نمی‌تواند چندان مثمر ثمر باشد زیرا در عرف قدیم اسلام چنین اصطلاحی به عنوان «حقوق» وجود نداشته و آنچه که بود، «تکلیف» بوده است و لذا فقدان چنین مبحثی در واقع سالبه به انتقاء موضوع است.^۱ در چارچوب سنت اسلامی اصلاح «حق»^۲ (جمع آن حقوق) همواره وجود داشته و همان مفهومی است که به زبان انگلیسی ترجمه شده است به‌علاوه حق یا حقوق دارای مفهومی تاسیسی در عربی به معنای ادعای حق است. مشخصه‌های اساسی حقوق در اسلام آن است که تشکیل دهنده تعهداتی در ارتباط با تقدس مفهوم حقوق بشر و منشأ قدرت آنها در این ارتباط است.^۳ بدین معنا که حقوق بشر در اسلام از قداست الهی برخوردار است و حدیث شریف حضرت علی(ع) «من عرف نفسه فقد عرف ربه» یعنی هر کس قدر و منزلت خود را شناخت (مفهوم حقوق بشری) به تحقیق شأن و منزلت خدای خود را شناخته است (مفهوم حقوق الهی)، خود دلیل روشنی است بر این که چون حقوق انسانی در شناخت و رعایت حقوق الهی حائز اهمیت اساسی است، تعهد به رعایت این حقوق در اسلام مورد تاکید قرار گرفته است. «در افکار و اندیشه‌های اسلامی تفاوتی میان حقوق خدا، حقوق انسانها وجود دارد (حقوق خدا، حقوق آدم) حقوق خدا دارای تفوق و اولویت بر حقوق آدم است و احترام به حقوق بشر جنبه و مبنایی اساسی برای احترام به حقوق خداست.»^۴

۳- منابع حقوق بشر در اسلام:

مفهوم حقوق بشر در عرف اسلامی به‌صورت قاطعی براساس منابع آن بنا نهاده شده و با تکنیک‌های صحیحی مجهز گردیده است. این منابع عمدتاً شامل قرآن، حدیث، اجماع قیاس و اجتهاد است.^۵ مسأله اینکه شریعت ثابت و لایتغیر است یا نه؟ قادر به پذیرش نظرات جدید از جمله حقوق بشر هم می‌باشد؟ را باید از تجزیه و تحلیل این منابع و اینکه چگونه آنها در سنت حقوقی اسلامی بکار گرفته شده‌اند بررسی کرد.

الف) قرآن

نخستین منبع حقوق اسلامی و شریعت است. بنابراین هرگونه رژیم حقوق بشری، از حقوق و تکالیف و امتیازات و تعهدات ناشی از قرآن تبعیت می‌کند و بر مخاطبین و معتقدین به آن لازم الرعایه است. از ۶۶۶۶ آیه قرآنی حدود ۵۰۰ آیه دارای عنصر و اصطلاح حقوقی است که بخش عمده آن احکام عبادی است و تنها ۸۰ عبارت از موضوعات حقوقی در مفهوم مضیق و مشخص

1- IBID ,PP 14.15

2- hag

3- IBID ,P16

4- Arkoane Mohamad, Rethinking Islam commmen-questions, uncommen answers(Boulder co westrsview press1994), PP.107,108.

5- Ali Sardar, shaheen,opcit,P.19.

اصطلاح، صراحت دارد.^۱ از محتوای برخی از آیات متاخر اینگونه استنباط می‌شود که با برخی آیات مقدم همخوانی ندارد و به دلیل آنکه قرآن نخستین منبع حقوقی اسلامی است، مسئله اعتبار حقوقی هر آیه اهمیت اساسی دارد. مسئله ای که حقوقدانان مسلمان را مواجه با سئوالاتی مانند سؤالات زیر می‌نماید: «آیا یک آیه (متاخر) قرآنی می‌تواند سایر آیات (مقدم) را نسخ کند؟ اگر آیات مؤخر آیات مقدم را نقض کند کدام اصل آیه و قرآن است که دارای اعتبار ثابت و مطلق در قرآن است؟ اگر پاسخ به سؤال اول منفی باشد و اگر دو آیه از احکام خدا دارای اعتبار یکسانی باشد آیا مسلمانان آزادند که هر کدام از آیات را که خواستند به عنوان پایه قواعد حقوقی انتخاب کنند؟» نظرات متفاوتی در این خصوص وجود دارد که به بررسی موضوع در عرف حقوقی اسلام و به‌ویژه در متون حقوق بشری مربوط به زنان و اقلیت‌ها می‌پردازد؛ زیرا برخی از آیات قرآنی به سمت و سوی ایجاد تفوق جنسی و تبعیض مشروع علیه زنان و غیر مسلمانان است، در حالی که برخی آیات دیگر به تساوی کامل حقوق و رفتار برای همه می‌پردازد.^۲ حتی در یک زمان واحد دستورات ناشی از آیات قرآنی ممکن است دچار تحول شده اما عبارت و مفاهیم آن همچنان به عنوان بخشی از قرآن لحاظ شده، استنباط از این نظر باید تنها به عنوان مبنای قواعد حقوقی در آیه موخر باشد و نمی‌تواند به عنوان جایگزین لحاظ شود. اما تعداد کمی از نویسندگان مسلمان استدلال کرده‌اند که از آنجا که از هر عبارت قرآنی اعتبار حقوقی یکسانی استنباط می‌شود مشروع است که قواعد حقوقی بر اساس آیات جایگزین بنیان نهاده شود اگر به این ترتیب عدالت بیشتر رعایت می‌شود.^۳

ب) حدیث

حدیث یعنی عرف یا رویه حضرت محمد(ص) که به عنوان سنت (یعنی اقوال و اعمال پیامبر) شناخته می‌شود پس از مرگ پیامبر جامعه متوجه شد که علاوه بر قرآن اقوال و اعمال پیامبر اصول هدایت‌کننده‌ای برای مسلمانان است. حدیث دومین منبع از حقوق اسلامی است. به این دو منبع اصلی حقوق اسلامی می‌توان به عنوان منابع فرعی اجماع قیاس، (در فقه سنت) و عقل (در فقه شیعه) و اجتهاد را اضافه کرد. در طول قرن‌ها حقوق اسلام از طریق منابع فوق و تکنیک‌های حقوقی توسعه و تحول پیدا کرد. شریعت را که به حقوق اسلامی معروف است، می‌توان با چارچوب دقیق خود سازه‌ای محکم تعریف کرد که به راحتی نمی‌تواند تغییر یابد. شریعت به مثابه یک آب‌سخور می‌ماند که در جریان و سیلان است. آب مانده و غیر متحرک را

1- A. An- Naim, Toward an Islamic reformation, civil liberties, Human rights-and international law-(Syracuse, Syracuse university press, 1990), P.20.

2- IBID, P.39.

3- Ali sardar, shaheen, opcit, PP.20,21

نمی‌توان به ثبات و عدم تغییر شریعت تشبیه کرد.^۱ چگونه ممکن است مفهومی که دارای ساختاری متحول در معناست مخالف با توسعه قواعد و مفاهیم حقوقی جدید از قبیل حقوق بشر باشد؟ نویسندگانی که یک چهره ثابت و خشک از شریعت را نشان می‌دهند از تنوع عرف و سنن حقوقی اسلام ناآگاه بوده یا به سادگی با پیچیدگی‌های آن یارای مقاومت نداشته و تمایل به کنار گذاشتن آن را داشته‌اند. اگر عالمان مسلمان در غلبه بر موانع فیزیولوژیکی که مانع اصلاح شریعت به عنوان یک متن مقدس است قادر باشند، راه برای توسعه مفاهیم و قواعد جدید از قبیل حقوق بشر در تبادلات فرهنگی باز است.^۲

۴- تجلی حقوق بشر در اسلام

(الف) انسان‌ها در اساس قابل احترام و ارزشمندند

«ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم»^۳ کرامت یک ارزش ذاتی و مفهومی است که ممکن است بعد عملی هم پیدا کند، البته بالاتر از کرامت ذاتی که همه انسان‌ها دارا هستند کرامت به عنوان ارزش عالی با ملاک و امتیاز تقوا وجود دارد که در آیه ۱۳ سوره حجرات متجلی است اما به هر حال نباید تصور شود که ارزش‌های ایدئولوژیک صرفاً در مقام بررسی وجود دارد (نه در عمل). کرامت انسانی شبیه کرامت مجردات است و قرآن تجلی کرامت الهی است. کرامت ذاتی انسان از دیدگاه اسلام موهبتی است از طرف خدا مانند خرد و وجدان که دو موهبت عظمای الهی برای انسان‌هاست.^۴ کرامت انسانی گواه آن است که انسان حق برخورداری از آن را دارد. به عبارت دیگر شأن انسانی به‌طور ضمنی گواه بر تقدس وی است. بنابراین دلایل خاص، خداوند بعد از این خلقت عظیم، شیطان را مورد خطاب قرار می‌دهد: «چرا پیش آنچه که من با دست‌های خود خلق کرده‌ام سجده نمی‌کنی».^۵

این بیانات و از جمله کلام خدا که من آدم را با دست‌های خود ساختم، گواه آن است که انسان در اساس ارزشمند و شایسته احترام است و به خاطر احترام مخصوص برای چیزی، از این عبارت استفاده می‌شود. به عنوان مثال اگر دست نیاز و تعبد و به سوی چیزی با دستان باز دراز کند این امر گواهی بر منفعت خاص وی است همان‌طور که خداوند در موقع بخشش چنین است.^۶ وقتی که ما پذیرفتیم که انسان در اساس ارزشمند و قابل احترام است، خواسته یا ناخواسته می‌پذیریم که آزادی، امنیت و چیزهای دیگر قابلیت اعطای ارزش به انسان را ندارد بلکه این

1- A. An Naim, opcit, P. 185

2- Ali Sardar, shaheen, opcit, P. 24.

۳- سوره لاسراء، آیه ۷۰.

۴- جعفری تبریزی، محمدتقی، پیشین، ص ۱۹۷.

5- Sura Of sad, Verse.

6- Mafatih aljanan, Deed of Friday night

آزادی و امنیت، باید به‌خاطر کرامت و حیث انسانی به وی اعطا شود.^۱ در روایتی امیرالمومنین به شخص اهل جود و بی‌نیازی پنج وسق خرما می‌دهد شخصی بخیل به دلیل عدم درخواست شخص فقیر به امام علی اعتراض می‌کند. ایشان بیان می‌فرماید در صورت درخواست و سوال، من به او چیزی نداده‌ام مگر در عوض آبرویش؛ آن هم آبرویی که در موضع عبادت برای پروردگار خویش به خاک می‌مالد آیا می‌توان برای اثبات کرامت و شرافت انسانی مطلبی بالاتر در نظر گرفت؟^۲

ب) انسان ذاتاً خداپرست است

انسان‌ها همواره کشش و تمایلی به سمت و سوی خدا دارند اما نه با چشمان فیزیکی بلکه با چشم دل. این خداپرستی ناآگاهانه نیست همچنان که حد و مرزی هم ندارد. نباید فرض شود که انسان چون گم شده خود را پیدا نمی‌کند خداپرست می‌شود بلکه منشأ و اساس عشق او خدا است و براساس همین دلیل انسان یک موجود مستقل نیست بلکه وجود و ذاتش پیوسته متکی به خدا است.^۳

ج) انسان موجودی جاودانه است

نه تنها از قرآن بلکه از سایر منابع هم، اینگونه استنباط می‌شود که انسان موجودی جاودان است و پس از مرگش به یک مکان موقت (برزخ) و سپس به جایگاه جاودانگی‌اش کوچ می‌کند. عبارت قرآنی به خوبی گویای این نکته است «آنچه نزد شماست محکوم به فناست اما آنچه نزد خداست پایدار و ماندگار است».^۴

د) اصل دو بعدی بودن انسان؛ بُعد اجتماعی و بعد فردی

هرچند بحث کردن در این زمینه مبنایی فلسفی دارد و انسان ابتدائاً از اجتماع تاثیر می‌پذیرد، اما واقعیت آن است که اگر قدرت جامعه بیشتر و قوی‌تر از فرد باشد اصل و ریشه انسان غالباً اجتماعی است اما برعکس اگر فردگرایی قوی‌تر از جامعه باشد این فرد است که بر جامعه تاثیر می‌گذارد و هر دو بعد آن را در قرآن می‌بینیم: «به راستی که خداوند بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد».^۵ از سویی دیگر آیاتی وجود دارد که تاکیدش بر فردگرایی است: «همانا ابراهیم خود یک ملت بود». آنچه که در اینجا مطرح می‌شود بعد اخلاقی و معنوی قضیه است که جنبه

1- javadi amuli, Abdullah, sources of human rights in Islamic Views on Human rights View Point of Iranian scholars (al- Hida Press, London, 2001), PP. 1-2

2- IBID, P. 2

3- Sura of Battlement Verses 187 and sura of the Pluckers, Verses, 42

4- Sura of cattle, Verses, 124

5- Sura of the bee, Verses, 120

فلسفی می‌گیرد اما در نظم نهایی ریشه و منشأ همه فعالیت‌های عالم تنها و تنها به خدا برمی‌گردد و نه جامعه یا فرد.^۱ و به تعبیر قرآن «او اول و آخر... است».^۲

۵- حقوق بشر در آیین ادیان الهی

با وجود آنکه واژه حقوق بشر به این شکل در منابع مذهبی یافت نمی‌شود ولی الهیات، مبنایی را که برای نظریه حقوق بشر ارائه می‌کند دلیل بر این است که این نظریه، از قوانین برتر از قوانین دولتی نشأت می‌گیرد و منشأ آن وجود برتر (خداوند) است. اگر کسی این فرض انجیل را بپذیرد که آدم در صورت خدا خلق گردیده، این فرض مستلزم آن است که به انسان‌ها ارزش والا داده شود یا در ادیان دیگر غیر از اسلام فرضاً در مذهب هندوها و مهابارتا در کتاب «باگواد گیتا» آمده است که «معبود خود را در تمام موجودات می‌بیند/ که به طور فنا ناپذیر زندگی می‌کند/ در بین فانیان او واقعاً می‌بیند».^۳ پس نتیجه آنکه جدا از بحث اسلام و غیر اسلام، در بستر مذهبی، هر انسانی مقدس تلقی می‌شود. در مذهب زرتشت هم تجلی حقوق بشر نمایان است که برخی از اصول آن به قرار زیر است، آزادی اندیشه (راهی که اندیشه به آزادی اختیار کند، اراده و ایمان نیز از آن پیروی خواهد کرد)^۴ آزادی در گزینش دین (ای مردم بهترین سخنان را به گوش بشنوید و با اندیشه روشن و ژرف بینی آنها را بررسی کنید؛ هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصا برگزیند). این مفاهیم حقوق بشری از آزادی مسکن، رفت و آمد، احترام به حقوق زنان و دیگران، گیاهان، جانوران و امنیت در آیین زرتشت متجلی است.^۵ در مذهب یهود از متن ۱۰ قانون در باب بیستم کتاب تورات چهار فرمان حقوق خداوند و بقیه حقوق انسانهاست، یا در انجیل متی باب پنجم آیات ۳۸ تا ۴۸، آیه ۲۸ باب ۱۱ انجیل متی و همچنین آیه ۵۰ باب ۱۲ مضامین حقوق بشری و مخالفت با تبعیض نژادی و برادری همه ملل و قبائل مشهور است. پیامبر اسلام هم پیامبر رحمت و صلح و برابری و دوستی است ایشان چه در هنگام فتح مکه چه در حجة الوداع و چه در خطبه مسجد حنیف از مباحثی چون برادری و برابری و همدلی، احترام به جان و مال و ناموس مردم، حقوق زنان و ... صحبت می‌کنند.^۶ که تنها نه در وجه حقوق بشری

1- Javadi Amuli, Abdullah, opcit, P.4-8.

۲- سوره مبارکه حدید، آیه ۳.

۳- شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، (تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰)، ص ۳.

۴- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، در مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» پژوهش و تدوین، محمد بسته نگار، (تهران، ۱۳۸۰، شرکت سهامی انتشار)، ص ۱۶.

۵- همان، ص ۱۸-۱۶.

۶- همان، ص ۲۸-۲۱.

آنها تردید نیست بلکه جامعه غرب پس از چندین قرن تازه به این سمت و سو گرایش پیدا کرده است.

۶- شبهه و تفسیر نادرست از حقوق بشر در اسلام

شریعت بهترین راه تحقق بخشیدن «احترام به حقوق انسان» است و تعرض‌هایی هم که به پشتیبانی هم‌پیمانان غربی در کشورهای اسلامی به حقوق انسان می‌شود، ارتباطی با شریعت نداشته و خشونت‌های رایج در کشورهای مسلمان، ساخته و پرداخته حکومت‌هاست و به دوران پس از استعمار برمی‌گردد.^۱ بسیاری از حقیقت‌بینان و واقعیت‌گرایان غربی بر موضوع فوق اذعان داشته و ناقضان حقوق بشر آن هم در قرن اخیر را اروپائیان می‌دانند که به عنوان نمونه قضیه مسلمان کشی در صربستان از زبان یک نویسنده غربی ذکر می‌شود: «... آدمکشان و تجاوزگران صرب خود را ناقض حقوق بشر تلقی نمی‌کنند؛ زیرا آنان این کارها را نه نسبت به انسان بلکه نسبت به مسلمانان مرتکب می‌شوند، آنان غیر انسانی رفتار نمی‌کنند بلکه بین انسان‌های حقیقی و دروغین تمایز می‌گذارند آنان همان نوع تفکیکی را قائل می‌شوند که صلیبیون میان انسان‌ها و سگان کافر می‌گذاشتند و مسلمانان سیاه را بین انسان‌ها و شیطان‌های چشم‌آبی قرار می‌دادند. صرب‌ها اینگونه تلقی می‌کنند که با پاک کردن جهان از انسان‌های دروغین به نفع انسانیت حقیقی عمل می‌کنند».^۲ یا در زمانی که توماس جفرسون قادر بود هم برده داشته باشد و هم فکر کند که خالق انسانها به همه آنها برخی حقوق غیر قابل نقض را اعمال کرده است، او خود را متقاعد ساخته بود که شعور سیاهان همچون حیوانات بیشتر احساس است تا اینکه بر اندیشه و تفکر مبتنی باشد او هم همچون صربها خود را ناقض حقوق بشر تلقی نمی‌کرد.^۳ یا در قرنی که ملت فلسطین با دسیسه دول غربی با یک دولت متجاوز به خاک خود از بدیهی‌ترین حق خود، حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت بر خاک خود، محروم می‌شود و هر روز کودکان و جوانانش را در راز حقوق غیر قابل سلبش فدا می‌کند (بگذریم از آنکه در کشورهای متمدن امروزی، مسلمانان در آمریکا، فرانسه و ... شهروند درجه چندم هستند). برخی نویسندگان مسلمان معتقدند که «اقرار به نظام بردگی و استمرار آن توسط شریعت، نقض علنی یکی از مهمترین حقوق اساسی و جهانی بشر تلقی می‌شود و این مطلب بسیار مهمی است که حقوق سکولار و عرفی موجب القای بردگی در جهان اسلام شد و نه شریعت و ... و بردگی به

۱- عزت هبه، رؤف، امکان همزیستی شریعت و حقوق بشر، ترجمه محمود محمودی، روزنامه کردی- فارسی روز هه لات(شرق)، شماره ۳۲، دوشنبه ۹ خردادماه ۱۳۸۴.

2- Rory, Richard, Human rights, rationality and sentimentality in "on Human rights"the oxford amnestly Lectures, (1993), P.P. 111,112

3- IBID,P112

صورت دائمی بخشی از قوانین دینی مسلمانها محسوب می‌شود.^۱ شاید نویسنده فوق از این نکته غافل بوده است که اسلام در میان اعراب جزیره العربی ظهور کرده که اولاد خودشان را زنده زنده دفن می‌کردند و شاید به این مسئله فکر نکردند که اگر شریعت می‌آمد و همه چیز را به یکباره تغییر می‌داد پیروان دین اسلام از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نمی‌کرد. مضافاً آنکه در هر عصر و در هر مکانی مبنا و ریشه قوانین بیش از هر چیز دیگر عرف حاکم است. کسی در آن زمان مخالف بردگی نبود که اسلام با آن موافق بوده باشد، بلکه اسلام به لحاظ ظرفیت فکری و مصلحتی زمان ظهورش بردگی را به صورت امضایی پذیرفت و بسیاری از جوانب آن را اصلاح کرد و برای یک برده حتی این حق را قائل شد که سخنگو و موذن پیام الهی به مردم باشد و به حدی درجات ترقی را طی کند که فرماندار مدینه شود و یا زید و اسامه فرزند او طلایه‌دار و فرمانده یکی از بزرگترین سپاه‌های طول تاریخ اسلام باشند. «یا در ادوار بعدی قطب‌الدین آیبیک امپراطوری اسلام را در سرزمین بزرگ هندوستان بنیان نهاد». ^۲ پس بردگی عرف زمان خاص خودش بوده درست به همان نحوی که عرف زمان توماس جفرسون آمریکایی منادی حقوق بشر بوده است. آنهم با تفاوت‌های بینیتی که در دین اسلام با سایر مکاتب وجود داشت. درست است که بسیاری از قوانین اسلامی با توجه به زمان شان نزول با شرایط امروزی همخوانی ندارد و نباید با تعصب کور و کژاندیشی رنگ تقدس گرفته همه چیز را مطلق و لایتغیر دانست که نتیجه آن انزجار از دین است، اما تا این حد اغراق ورزیدن بی‌انصافی است که «بردگی از دیدگاه شریعت حتی در این زمان مشروع است. و اگر شرایط صحت تملک بردگان در جایی فراهم شد و فردی، دیگری را طبق شرایط لازم به بردگی گرفت، شریعت از «حقوق» مالک برده به همان صورت که چهارده قرن گذشته حمایت می‌کرده است، حمایت می‌کند». ^۳ آیا در اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره که اکثریت کشورهای مسلمان به آن پیوسته‌اند یا منشور سازمان کنفرانس اسلامی یا در عرف کشورهای اسلامی یا حداقل در یک کشور اسلامی ما تاسیسی بنام یا مشابه بردگی مشاهده می‌کنیم در حالی که ماده یازده اعلامیه حقوق بشر اسلامی در بندهای الف و ب صراحتاً بردگی را منع می‌کند؟ مگر همین قوانین اسلامی به نظر و تصویب نمایندگان کلیه مذاهب اسلامی گذارده نمی‌شود و در صورت عدم مغایرت با شرع لازم الاجرا است؟ «امروزه آزادی و برابری دو رکن بنیادین حقوق بشر به شمار می‌آیند که در

۱- نعیم، احمد، عبدالم، نواندیشی دینی و حقوق بشر، در آمدی بر بازخوانی حقوق اسلامی، ترجمه حسنعلی نوریه، (تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۱)، ص ۳۴۵.

۲- بوازرا، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، در مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» پژوهش و تدوین محمد نگار، ص ۱۶۷.

۳- نعیم، احمد، عبدالم، پیشین، ص ۲۳۶.

دموکراسی کلاسیک به رسمیت شناخته شده است همین‌طور اصل برابری از مقدس‌ترین و برجسته‌ترین قواعد اساسی اسلامی است. از دید اسلام تمام افراد بشر در مقابل قانون و در حقوق و تعهدات برابرند و هیچگونه تبعیضی از حیث نژاد، ملیت، رنگ، خانواده و عقیده میان آنها نیست. یگانه ملاک و معیار بزرگی و برتری در اسلام پرهیزگاری است^۱ به عنوان مثال در سوره ۴۹ آیه ۱۳ آمده است «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و آنگاه به ملت‌ها و قبایل مختلف تقسیم کردیم تا یکدیگر را بازشناسید. همانا بزرگوارترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست» یا در سوره ۳۱، آیه ۲۸ آمده است: «ما همه شما را از یک تن واحد خلق کردیم و زندگی بخشیدیم»^۲ در احادیث نبوی هم همین اصل برابری و نفی بردگی به وضوح مشاهده می‌شود. «عرب را بر غیر عرب (خارجی) و سفید را بر سیاه هیچ برتری نیست مگر پرهیزگاری». یا «من برادر هر پرهیزگارم حتی اگر او برده حبشی باشد و به خود راه نمی‌دهم هر فرد گناهکاری را حتی اگر او از قریش اصیل باشد»^۳. پیامبر در گفتگوهای خود با اصحاب غالباً تأکید کرده که به بردگان و کنیزان احترام بگذارید و آنان را (برادر، خواهر و فرزند) خطاب کنید؛ زیرا تنها موجودی که استحقاق سروری بر انسان را دارد، خداوند است.^۴ جای بسی شگفتی است که حتی بعضی از افراد آشنا به قرآن و مضامین عالی آن، اصول و حقوق بشر و ارزشهای عام انسانی چون عدالت و ... را ارزشهای فرداینی می‌خوانند. اگر اشخاص بیگانه با تعالیم وحی چنین بیندیشند بر آنان حرجی نیست. آیا آنچه در قرآن با وضوح و عمق بسیار درباره حق خدشه ناپذیر زندگی برای فرد انسان‌ها، حق آزادی و استقلال فرد انسانی و حاکمیت وی بر سرنوشت و مسئولیت خدشه ناپذیر وی در قبال اعمال و انتخاب‌هایش و تأکیدی که بر ارزش‌هایی چون حقیقت و عدالت، علم و تعقل آفرینندگی، نوشوندگی و ابتکار، استقلال، وجدان و آزادی اراده بیان شده است، جزء همان اصول دینی اند که خدا مردم را بدانها دعوت می‌کند؟ آنان که این ارزش‌ها و موازین اساسی حقوق انسان را فرداینی می‌خوانند، باید به این پرسش پاسخ دهند که آیا آنچه در وحی به آن دعوت شده دین است یا نه؟^۵ مگر در قرآن نمی‌خوانیم که انسان‌ها (نه فقط مومنان) حق زندگی دارند و هیچکس حق ندارد (به آن) تجاوز کند؟ یا هرکس زندگی انسانی را

۱- محمدصافی، صبحی، اصول حقوق بین‌الملل از دیدگاه دکتربین‌المللی، ترجمه دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۳ و ۱۳۴، ص ۱۱۷.

۲- همان، ص ۱۶۷.

۳- بوازرا، مارسل، پیشین، ص ۱۶۷.

۴- محمدصافی، صبحی، پیشین، ص ۱۱۷.

۵- پیمان، حبیب‌الله. حقوق بشر ارزشهای درون دینی اند، در مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، ص ۱۰۷.

از مرگ نجات دهد گویی همه انسانها را از مرگ رهانیده است.^۱ یا حق آزادی اراده و وجدان فرد آدمی، حق تساوی در بهره‌مندی از مواهب طبیعی، تساوی در برابر قانون و حقوق طبیعی، تساوی در انسان بودن و انسانی زیستن و حق تامین مایحتاج اساسی،^۲ جزو قرآن نیست؟ یا توصیه قرآن، مگر متضمن نفی صریح و کامل هر نوع بندگی و اطاعت از هر کس و هر چیز جز علم خود آگاه و الهی انسان نیست؟^۳ اگر اینها دین نیستند پس دین چیست؟ انبیاء بر آموزه‌های دروغین نابرابری انسانها در خلقت خط بطلان کشیده و این آموزه‌ها را نظام‌های بردگی و ارباب رعیتی، ثروت، مالکیت و حاکمیت منطقه، گروهی که فقر و محرومیت و فرودستی اکثریت خلق را واقعیتی طبیعی و ازلی و ابدی و زاده مشیت خدایان می‌دانند تا توده‌های بلا کشیده و محروم در اندیشه عصیان و مخالفت و تغییر سرنوشت شوم خود نیفتند و هم مردم را در آفرینش، برابر و برخاسته از منشا واحدی معرفی نمایند^۴ و اعلام دارند که اصل برابری اولیه انسانها در آفرینش و در برابر خدا، اصل برادری افراد بشر را نتیجه می‌دهد.^۵ این وجه دینی حقوق بشر است اما در وجهه غربی حقوق بشر یا حتی در وجهه تاریخی موضوع برابری و برادری در تمدنهای بزرگ گذشته از جمله در تمدن یونان که فلاسفه یونانی بر این عقیده بودند که اراده طبیعت، غیر یونانی‌ها را برده یونانی‌ها قرار داده است.^۶ یا در عقیده رومیان که خود را مالکان اصلی کره زمین می‌دانستند و خود را اربابان مردم جهان می‌پنداشتند حال آنکه حتی بر یک سی‌ام جهان هم حکومت نداشتند.^۷ یا متأسفانه در پیروان و اقوام (نه دین) یهود و نصائی را که خود را فرزندان خدا و اولیای خاص او می‌پنداشتند و خود را بهشتی حساب کرده و دیگران را در این امتیاز شریک خود نمی‌دانستند. یا اعراب قبل از اسلام که روحیه تعصب و خود برترینی آنها بر کسی پوشیده نیست و به تعبیر سوره مبارکه شعراء (۲۶) آیه ۱۹۹ و ۱۹۸ «هرگاه ما قرآن را بر بعضی از عجم (غیرعربها) نازل می‌کردیم و آن را برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند» و این تعصب به تعبیر امام علی(ع) مایه گرفتاری و موجب عذاب اعراب گردید.^۸ آیا باتوجه به عرف و مقررات

۱- سوره مائده، آیه ۳۲.

۲- سوره فصلت، آیه ۱۰.

۳- سوره اسراء، آیه ۳۶.

۴- سوره نساء، آیه ۱، سوره اعراف، آیه ۱۸۹ و سوره انعام، آیه ۹۸.

۵- پیمان، حبیب‌الله، فراخوان جاودانه به آزادی (تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۷)، ص ۷۱-۶۹ در مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» پژوهش و تدوین، محمد بسته نگار، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۶- حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، جلد اول، ترجمه دکتر مصطفی محقق داماد (تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳) ص ۱۵۷.

۷- سلیمی، عبدالحمید، نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل (قم، مرکز انتشارات، موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲)، صص ۲۰۰ و ۱۹۹.

۸- همان، ص ۲۰۰.

جنگی آن زمان که تأسیسی بنام اسارت آنهم با حقوق و امتیازاتی که امروزه وجود دارد نه تنها موجود نبود بلکه تنها راه «قتل» طرف مقابل بود، بردگی که در اسلام و بر اساس مصلحت پذیرفته شده بود بهتر بود یا سلب حیاتی که خداوند به انسان عطا کرده است؟

لغو بردگی و بسیاری از قوانین و حقوق ضد بشری زاده رشد و بالندگی فکری بشریت است چه مسلمان و چه غیر مسلمان و داوری غلط مبنی بر این که بردگی اکنون هم در اسلام قابل اعمال است و لغو آن در تمدن غرب به وقوع پیوسته، پذیرفته نیست. می‌پذیریم که برخی از قوانین اسلام احتیاج به اصلاح و تنقیح دارد و همان‌طور که در رویه سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارد بهتر است از طریق شورا و رسیدن به یک اجماع، این قوانین قدیمی با توجه به تحولات امروزین اصلاح شود؛ زیرا شورا یک متد و فرآیندی است که برای زندگی و حکومت در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سایر جوانب حتی در وضعیت‌های جنگی و تعارضات مسلحانه در اسلام پذیرفته شده است.^۱ اگر شورا یا آنچه در ماده ۴ اساسنامه سازمان کنفرانس اسلامی در مورد ارکانی که در سازمان فعالیت حقوقی دارند از جمله مجمع فقه اسلامی یا کمیسیون حقوق بین‌الملل اسلامی با اهداف خاص خود که پیوند میان حقوق بین‌الملل معاصر و حقوق بین‌الملل اسلام و صدور قطعنامه‌ها در زمینه‌های مختلف فقهی - حقوقی است.^۲ به درستی اجرا شود دیگر ممکن نیست تصور کنیم که قوانینی وجود داشته باشد که ناقض حقوق بشر است بعلاوه تصمیماتی که از طریق فرآیند شورا گرفته می‌شود می‌تواند حقوق بشر را دستخوش تاثیر و تحول قرار دهد.^۳ نتیجتاً آنکه ایجاد تحول و اصلاح در قوانین اسلامی امری غیرممکن نیست اما مشروط به آن است که اراده‌ای برای اصلاح قوانین و تطبیق با تحولات روز اقدام کند.

۷- مزایا و نواقص اعلامیه اسلامی حقوق بشر نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر:

اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بسیاری از موارد با اعلامیه جهانی حقوق بشر مشترک است و این اشتراکات به فطرت انسانی، حقوق و عرف پذیرفته شده موجود و اصولی کلی حقوقی که همه مکاتب بر آن اشتراک دارند، برمی‌گردد. اما در عین حال تفاوت‌هایی نیز مشهور است که در اختصار به آن پرداخته می‌شود.

1- El-Gindy, Gamil Mohammed, The shura and Human rights in Islamic law, the relevance of Democracy :in the Rule of law In the Middle East and the Islamic World," (Human rights and the judicial Process), (London.2000, I.B Tauris co. ltd Press), P. 169.

۲- ضیائی بیدگلی، محمدرضا، تقریرات درس حقوق بین‌الملل اسلام، (تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، نیمسال اول ۸۴-۸۳) مبحث سازمان کنفرانس اسلامی.

3- El- Gindy Gamil, Mohammed, opcit, PP.164-167.

الف: نواقص اعلامیه اسلامی حقوق بشر در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر:

- ۱- مسأله دین و محدودیت به اسلام و منع تغییرات آن در اعلامیه اسلامی حقوق بشر برخلاف ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- ۲- عدم امکان ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان (وحدت دین در ازدواج) برخلاف ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- ۳- عدم تساوی حقوق زن و مرد در اعلامیه اسلامی حقوق بشر. در این اعلامیه برابری از حیث شرافت انسانی مطرح شده ولی به معنای برابری حقوق زن و مرد نیست. (مغایرت با موارد ۲ و ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر)
- ۴- برابری بدون تمایز از حیث اعتقادات مذهبی که در اعلامیه اسلامی آمده با بسیاری از احکام اسلامی (فرضا مهدورالدم بودن مرتد و حلال شدن اموال وی) - (عدم تساوی دیه مسلمانان و کافر قبل از اصلاح در قانون بسیاری از کشورها، محرومیت غیر مسلمانان از برخی حقوق و...) در تناقض است.

ب: برتری‌های اعلامیه اسلامی حقوق بشر بر اعلامیه جهانی حقوق بشر

- ۱- حق فضل و کرامت بدست آمده (اکتسابی) از طریق کار تعاملی و عقیدتی در اعلامیه اسلامی
- ۲- حق حرمت مرده انسان
- ۳- حق برخورداری خانواده از نفقه
- ۴- حق تمتع و کسب در آمد مشروع غیر از ربا
- ۵- حق دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر
- ۶- حق فرد در دفاع از مقدسات خود.^۱ که هیچکدام از این موارد در اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود ندارد.

بخش دوم: مفهوم حقوق بشر دوستانه در اسلام

مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه در ادبیات سنتی به «علم سیر» نامگذاری شد و آنچه امروزه از حقوق بین‌الملل نامیده می‌شود در ادبیات سنتی اسلامی توسط عالمان مسلمان به «علم سیر» عنوان یافته است.^۲

۱- ضیائی بیدگلی، محمدرضا، تقریرات درس حقوق بین‌الملل اسلام، میحث سازمان کنفرانس اسلامی. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: نگارنده، مقاله تحت عنوان «تامل فرهنگ آسیایی و اسلام با حقوق بشر» همایش حقوق بشر و خاورمیانه (سنندج، دانشگاه کردستان، اردیبهشت ماه ۱۳۸۴).

۲- محقق داماد، مصطفی، جایگاه حقوق بشر دوستانه در علم سیر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، انتشارات سرسم)، صص ۹۰ و ۹۱.

۱- مفهوم خاص سیره:

در اصطلاح وقایع نگاران اسلامی به شرح حال دوره زندگی پیامبر اسلام (ص) اطلاق می‌شود. کتاب‌هایی نظیر «سیره رسول...» اثر ابن حشام به همین معنی است گفتار و کردار پیامبر و فرامینی که در زمان صلح و جنگ یا متارکه صادر می‌فرموده‌اند و مجموعاً شامل سنت ایشان می‌گردیده است به مفهوم خاص کلمه سیره پیامبر نامیده می‌شود.

۲- مفهوم عام سیره:

در اصطلاح عام، سیره به معنی کلیه اموری است که مرتبط با زمان جنگ‌های داخلی و خارجی اسلام و نیز ترتیب برقراری صلح، آرامش و سلوک در زمان صلح با همسایگان و مجاورین می‌باشد و این امر نه تنها شامل حال سلوک پیامبر (ص) می‌شد بلکه خلفای راشدین هم سعی داشتند که روش و رویه خود را به احادیث و سنت پیامبر مستند سازند و از این رهگذر به این گنجینه «سیر» یا همان حقوق بین‌الملل اسلامی بیفزایند. سیره خلفاء و اعتبار حقوقی آنها مشروط بود به اینکه مغایرتی با کتاب آسمانی و سنت پیامبر نداشته و مورد قبول و پذیرش همگانی باشد.^۱ البته جدا از خلفاء در رویه حضرت علی (ع) هم سیره به مفهومی که مرتبط با حقوق بشر دوستانه است به وضوح مشهود است و دستورات امیرالمومنین در فقه شیعه و سنی مورد فتوای فقهای بزرگ قرار گرفته است به عنوان مثال در جنگ با معاویه قبل از جنگ حضرت دستور می‌فرمایند «چنانچه به خواست خدا دشمن را شکست دادید، در انجام سفارشات زیر دقت کنید، هیچ فرد در حال فراری را نکشید، جان هیچ محرومی را نستانید، هیچ اسیر را گردن نزدیک، شرمگاه کسی را عریان نسازید، مردگان را مثله ننمائید، به داخل هیچ سرپرده یا خانه بدون اذن صاحب آن خانه داخل نشوید، مال آنها را به یغما نبرید... هیچ زنی را شکنجه و آزار ندهید و...»^۲.

۳- مبانی حقوق بشر دوستانه در اسلام و اصول منشعب از آن

البته به نظر می‌رسد مبانی اصلی سیره و کلاً رویکرد پیامبر و جانشینان ایشان به مسائل بشر دوستانه بیشتر به قرآن برمی‌گردد. به عنوان مثال در آیه ۴ سوره محمد (ص) آمده است: «چون کافران را در جنگ یافتید باید گردن زنید تا سخت در هم کوفته شوند. سپس اسیران را محکم ببندید آنگاه یا منت نهدید و آزادشان سازید یا فدیة ستانید و رهایش بخشید تا اهل حرب سلاح‌هایشان را بر زمین بگذارند. حکم این است و اگر خدا بخواهد از آنها انتقام می‌کشد.» این

۱- همان، صص ۹۳ و ۹۲.

۲- همان، ص ۱۰۶.

آیه مبنایی حمایتی برای اسراء و مجروحین جنگی است.^۱ که سیره رسول... و حضرت امیرالمومنین و خلفای راشدین در راستای این آیه است. یا آیات متعدد دیگر از جمله آیه ۱۹۰ سوره بقره اشاره می‌دارد: «با کسانی که با شما به قتال می‌پردازند مبارزه کنید ولی تعدی و افراط نکنید که خداوند معتدین را دوست ندارد» آیه اخیر هم تجلی یکی از بنیادی ترین اصول بشر دوستانه در مورد منع تعرض به افراد غیر نظامی دشمن است. به رسمیت شناختن امتیازاتی برای دشمن اعم از افراد نظامی و غیرنظامی و اموال غیر نظامی آن هم چه در جنگ‌های مقدس و چه در جنگ نامقدس یا حرب بدون رعایت زمان و مکان و حتی در جنگ با شورشیان جنگ‌های داخلی در اسلام به حدی ستودنی است که حتی امروز در سطح بین‌المللی هم این قواعد بشر دوستانه به طور کامل در مخاصمات غیر بین‌المللی قابل اعمال نیست. کشورها به سختی می‌پذیرند که حقوقی را به عنوان حقوق حمایتی برای افرادی به رسمیت بشناسند که علیه آنها در داخل کشورشان اقدام مسلحانه می‌کنند در حالی که در اسلام تفکیکی قائل نبوده و قواعد متفاوتی در سطح داخلی و بین‌المللی نداریم.^۲ به طور خلاصه از آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌توان سه اصل کلی را استنتاج کرد: اول: اصل مشروعیت دفاع دوم: اصل مقابله به مثل و سوم: اصل منع تجاوزات. مقررات و محدودیت‌های جنگ هم در سه قسمت تقسیم بندی می‌شود:

۱- محدودیت‌های کاربرد سلاح

۲- محدودیت‌های سلوک با دشمن در حین نبرد

۳- محدودیت‌ها در سلوک با اسراء جنگی.^۳

صرف‌نظر از دستورات قرآنی، در سنت نبوی و امیرالمومنین (ع) هم رعایت اصول بشر دوستانه به ویژه در مورد وضعیت‌های جنگی و رفتار با اسراء به خوبی مشهود است. به عنوان نمونه امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «اطعام الاسیر و الاحسان الیه حق واجب وإن قتلته من الغد» یعنی غذا دادن به اسیر و خوش رفتاری با او حقی است واجب هرچند فردا بخواهی او را بکشی.^۴ یا در زمان دستگیری ابن ملجم پس از ضربت زدن به حضرت علی (ع) حضرت به فرزندان خود سفارش می‌کند که این اسیر را زندانی کنید به او غذا و آب بدهید و با او خوش‌رفتار باشید. یا در سریه عبدا... بن جحش آمده است که پیامبر اسیران متعلق به قریش را آزاد ساختند یا در جنگ

۱- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، تقریرات درسی حقوق بین‌الملل اسلام، مبحث حقوق مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام.

۲- همان.

۳- محقق داماد، مصطفی، پیشین، ص ۱۰۸.

۴- شاهمرادی، سید حسین، ارزشهای محوری انسان دوستانه در اسلام در چارچوب میزگردهای ۴گانه (اوجا) گفتگو پیرامون چالش‌های کمک‌های انسان دوستانه (تهران، فروردین ۱۳۸۴، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ص ۱۸.

بدر هم پیامبر کلیه اسراء جنگ بدر به جز دو نفر را با فدیة یا بدون فدیة آزاد کردند.^۱ البته باید گفت که حقوق بشر دوستانه یا به تعبیر دیگر «حقوق جنگ» در اسلام محدود به اسراء نیست بلکه حقوق بشردوستانه در اسلام شامل مقررات انضباطی در ارتش اسلام یا رفتار انسانی در جنگ‌های اسلامی، اسلام و امان خواهی در جنگ، اسلام و رفتار با اسیران جنگی، غنایم جنگی در اسلام، اسلام و قرارداد صلح یا پیمان ترک محاصره و... است که هر بخش از غنا و گستردگی خاص خود برخوردار است.^۲

در سیره پیامبرگرمی اسلام (ص) و در مغازی و جنگ‌های صدر اسلام قواعد و مقررات بشردوستانه‌ای وجود داشته که جزء تکالیف شرعی رزمندگان مسلمان محسوب می‌شده است. قواعدی از قبیل عدم تعرض به زنان و کودکان و پیران، عدم تعرض به عبادتگاه‌ها و کسانی که در آنجا مشغول عبادت هستند، قطع نکردن درختان، مسموم نکردن چاه‌ها و چشمه‌ها، منع چپاول اموال غیرنظامیان و... همگی در حقوق اسلامی وجود داشته است.^۳ جالب آن است که بدانیم در تحقیق گروه‌های کاری در مورد قواعد و حقوق جنگ اعلامیه ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ پاریس با ملاحظه قواعد جنگ دریایی تا قواعد کنونی بشردوستانه راجع به مسأله، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به آن و کنوانسیون ۱۹۸۱ سازمان ملل با مقایسه آنها با اصول و قواعد حقوق اسلامی در خصوص جنگ به‌طور کلی و حقوق بشر دوستانه و حقوق مورد حمایت در اسلام به خوبی مشخص شده که قواعد حاکم بر رعایت اصول جنگ ریشه و منشأش به مکاتب اسلامی برمی‌گردد.^۴ یقیناً مسلمانان چنین سیستم بالارزشی را به هدف ایجاد قواعد جنگ و صلح از قرن هفتم میلادی ایجاد کرده‌اند؛ یعنی مسلمانان هزار سال قبل از آنکه غرب به چنین حقوقی برسد با این حقوق و روابط بین‌المللی زندگی کرده‌اند.^۵ تحقیق پرفسور کالسموفن نشان داده که حق مقابله به مثل در صورت نقض قواعد بشردوستانه در حقوق بین‌الملل عرفی وجود دارد.^۶ و حتی برخی معتقدند در صورت وقوع منظم جنایات بزرگ باید

۱- همان، ص ۱۸.

۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ ششم، (تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۸.

۳- آشنایی با کمیته ملی حقوق بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران- تهیه و تنظیم از دبیرخانه کمیته علمی حقوق بشر دوستانه (تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۸۰)، ص ۴.

4- Muhaqqiq damad, Sayyid Mustafa, international humanitarian law in Islam and Contemporary international law in "Islamic Views on- human rights "View point of Iranian scholars, (London, Al- Hoda- press, 2001), P.225.

5- IBID, P225

۶- آلدريج، اس. اچ، رعایت قوانین انسان دوستانه بین‌المللی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره بیست و ششم (تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، آذرماه ۱۳۷۰) ص ۷۶

مقابله به مثل وجود داشته باشد.^۱ در صورتی که در قرآن و سنت، تا آنجا که مشخص است چنین حقی به‌ویژه علیه غیرنظامیان به رسمیت شناخته نشده است.

بخش سوم

جنگ و مفهوم حقوق بشر در اسلام

برخلاف مفهوم ادعا شده که اسلام در زمینه رفتار دولت در روابط بین‌المللی در اساس نوعی حقوق جنگ است و این دیدگاه به دلیل عملکرد برخی از دولتمردان مسلمان تا اندازه‌ای مورد تایید است اما متون اسلامی موثق به وضوح مبین دیدگاهی خلاف این است. بدین معنی که اسلام از صلح به عنوان یکی از مبانی اساسی چارچوب حقوقی خود پشتیبانی می‌کند. متون یاد شده فقط در شرایط استثنایی که جنگ مشروع تلقی می‌شود به آن می‌پردازند و هیچ رویه معارضی نمی‌تواند صراحت این متون مقدس را تحت شعاع قرار دهد.^۲ در عین حال که نمی‌پذیریم اسلام صرفاً نوعی حقوق جنگ است اما اعلام می‌داریم که اسلام درباره حقوق جنگ بسیار کامل و دقیق است. توضیح آنکه مقصود از حقوق بشر در زمان جنگ، کلیه امتیازات و اقتدارات مشروعی است که اسلام در جنگ برای دشمن شناخته است. این حقوق ممکن است مستقیماً انسان‌ها را مورد حمایت قرار دهد و یا به صورت مستقیم حمایت از اموال، ساختمان‌ها و حتی حیوانات را بر عهده بگیرد.^۳

۱- مفهوم حقوق بشر زمان جنگ در قرآن

آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره اعلام می‌دارد «و قاتلوا فی سبیل... الذین یقاتلونکم و لا تعدوا ان... لا یحب المعتقدین» (یعنی در راه خدا قتال کنید با کسانی که با شما می‌جنگد و تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.) اولاً مبنای شروع به نبرد بر اساس نظر مفسرین قرآن کریم آن است که انسان در مقام کشتن کسی که قصد قتل او را دارد برآید نه به انگیزه تسلط بر مال و عرض انسان‌های دیگر و به‌علاوه تجاوز کردن و از حد گذشتن صراحتاً نهی شده و این نهی شامل هر عملی که این مفهوم بر آن منطبق گردد مانند آغاز جنگ، بدون دعوت به حق جنگیدن، زن‌ها و بچه‌ها را کشتن، دست از جنگ نکشیدن در صورت دست کشیدن دشمن و سایر دستورات پیامبر اکرم است،^۴ یا در آیات دیگر از جمله سوره اعراف آیه ۵۵ و سوره مائده آیه

۱- همان، صص ۷۷ و ۷۸.

۲- محمضانی، صبحی، پیشین، ص ۱۱۶.

۳- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، ص ۱۳۴.

۴- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، جلد دوم، ص ۸۰، به نقل از دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، اسلام و حقوق بین‌الملل، صص ۱۴۶ و ۱۴۵.

۸۷ آمده است «لا یحب المعتدین» به معنای (خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد) همین طور در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود «فاستقم کما امرت و من تاب معک و لا تطغوا...» (پس استوار باش چنان که بدان امر شده‌ای و کسی که با تو توبه کرد و طغیان مکنید یعنی از حدود الهی تجاوز نکنید).^۱

۲- سنت و مفهوم حقوق بشر در جنگ

الف- حضرت محمد (ص) و تجلی حقوق بشر

زندگی پیامبر اکرم نماد رعایت حقوق بشر در جنگ و صلح است. هنگامی که ایشان جمعی از صحابه را به عنوان سریه به جانبی گسیل می‌داشت آنان را پیش روی خود می‌نشانند و به آن‌ها راه و روش جنگیدن و رعایت ضروریات انسانی را متذکر می‌گردیدند.^۲ حتی در پیمان‌نامه‌هایی که در راستای دفاع از شهرهای مکه، مدینه با پیروان منعقد می‌نمودند، تجلی حقوق بشر مشهود است. نمونه این ادعا انعقاد منشور مدینه میان مسلمانان و یهودیان است که نه تنها امضاء کنندگان را ملت واحدی می‌داند (ماده ۱) بلکه مسلمانان را ملزم به کمک به درماندگان می‌نماید (ماده ۳)؛ تاسیسی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم چنین سابقه‌ای ندارد، اعزام نوبتی به جهاد، تقسیم هزینه‌های جنگی میان مسلمانان و یهودیان (ماده ۱۱)، تاکید بر صلح و دوستی و احترام به حقوق انسانی حتی حق مالکیت در جنگ (ماده ۴ قرارداد میان پیامبر و مسیحیان سرزمین سینا)^۳ رعایت اصل نوین حقوق بشری و تعهد و وظیفه دولت به رعایت و اجرای حقوق بشر به طور یک‌جانبه بدون چشم داشت تعهدات متقابل از سوی افراد،^۴ فراهم نمودن اصول حمایتی کامل‌تری از آنچه که در مواد ۲۸ و ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده (ماده ۷ همین قرارداد) و تاکید بر برابری و حقوق مسلمانان و غیرمسلمانان، تنها نمونه‌هایی از سنت نبی اکرم در رعایت حقوق بشر زمان جنگ است.

ب- امیرالمومنین اسوه رعایت حقوق بشر در جنگ

یکی از مهم‌ترین حقوقی که امیرالمومنین آن را در طلیعه همه حقوق قرار می‌داد، «حق امنیت» است که نتیجه آن صلح و آرامش برای همه سرزمین‌هاست ایشان تعدی و تجاوز را به حیوانات وحشی و درنده نسبت می‌دهند و همواره چپاول‌ها و غارت‌ها، تاراج‌ها و شیخون‌ها را در جرگه کارهای ضد انسانی عصر جاهلیت برمی‌شمردند اما در مواردی که زشتی و تجاوز به

۱- قرآن کریم، ترجمه زین‌العابدین رهنما، به نقل از دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، اسلام و حقوق بین‌الملل، ص ۱۴۶.

۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، پیشین، صص ۱۴۷ و ۱۴۶.

۳- سلیمی، عبدالحکیم، پیشین، ضمیمه الف، ص ۴۲۵.

۴- زمانی، سید قاسم، تقریرات، درس حقوق بین‌الملل بشر (تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، نیمسال دوم تحصیلی ۸۲-۸۳)، مبحث ماهیت حقوق بشر.

مرحله‌ای برسد که می‌خواهد بینوا و ضعیف را منکوب سازد و شمشیر سرهای مردم بیگانه را درو کند، جنگ در مذهب علی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.^۱ اما در همان حال تلاش امام(ع) بر رعایت حقوق انسانی و عدم تعدی از حدود الهی است. در آغاز جنگ صفین امام به سپاهیان خود توصیه می‌کند «اگر دشمنان به یاری خدا شکست خوردند و از میدان کارزار فرار کردند، مبدا که فراریان را بکشید و افتادگان را از میان ببرید و خستگان را نابود سازید. زنان را اگرچه به ناموستان فحش بدهند و به فرماندهانتان هم ناسزا بگویند، می‌ازارید...»^۲.

ج- خلفا و مسئله حقوق بشر در مخاصمات

با توجه به ماهیت مکتب اسلام، خلفا نیز از رعایت حقوق بشر در مخاصمات، قصور نداشتند. ابوبکر، خلیفه اول در زمان حرکت به سوی شام در مقام نصیحت بیان کرد «خیانت مکنید، فریب مدهید، به غنیمت دست مزنید، نامردی مکنید، کشته‌ها را اعضا نبرید، کودکان خردسال و زنان و پیران فرتوت را مکشید، درخت خرما و درخت میوه‌دار را قطع نکنید و نسوزانید، گوسفند و گاو و شتر را جز برای رفع گرسنگی نکشید، صومعه‌نشینان را می‌ازارید و آنها را به حال خویش بگذارید»^۳. یا تحت تاثیر تعلیمات پیامبر اسلام، عمر که قصد کشتن زیدبن سعه، از علمای یهود، به دلیل ترشروی در گرفتن طلب از پیامبر را داشت، علاوه بر دین، بیست صاع خرما به عوض تهدید اضافه پرداخت می‌نماید.^۴ برخی خلفا را متهم کرده‌اند (که): «... خلفا ترجیح می‌دادند که قومی مسلمان نشوند تا جزیه بپردازند و کیسه خلفا انباشته گردد...»^۵. در حالی که تا این حد اغراق ورزیدن بی‌انصافی است. جنگ قادسیه برای توده‌های ایرانی و نبردهای یرموک و اجنادین برای پیروان آریوس، پلاجیها و دیگر قربانیان خشم و نفرت ارتدوکس نوید صلح و امنیت در پناه اسلام بود.^۶ هرچند که اشتباهاتی چون تبعیض عمر در اسیرگرفتن غیرعرب و رهاکردن عرب‌های طرف جنگ، قتل عام اسیران حتی پس از تسلیم‌شدن آنها از سوی خالدبن ولید، فرمانده سپاه عمر،^۷ یا نفرت کین بار خانواده عثمان با بنی‌هاشم و رکود بسیاری از حقوق و اصول اسلام در دوران وی بر کسی پوشیده نیست.

۱- جرداق، جرج، مقایسه بین اصول امام علی(ع) و اصول اعلامیه حقوق بشر، ترجمه سید هادی خسروشاهی، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین، محمد بسته نگار، ص ۲۴۲.

۲- نهج البلاغه، ص ۳۴۹، به نقل از ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، ص ۱۴۷.

۳- تاریخ طبری، جلد چهارم، ص ۱۳۵۳، به نقل از ضیائی بیگدلی، محمدرضا، پیشین، ص ۱۴۷.

۴- قربانی، زین‌العابدین، اسلام و حقوق بشر، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین، محمد بسته نگار، صص ۵۶۳ و ۵۶۲.

۵- مبشری، اسد...، اسلام و حقوق بشر، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین، محمد بسته نگار، ص ۶۰۹.

۶- علی، امیر، روح سیاسی اسلام، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین، محمد بسته نگار، ص ۴۵۱.

۷- سلیمی، عبدالحکیم، پیشین، ص ۳۲۵.

۳- مفاهیم حقوق بشری و حقوق بشردوستانه و اشتراکات آنها در اسلام

از جمله این مصادیق که اختصاراً به بررسی آنها پرداخته می‌شود به عنوان نمونه رفتار امیرالمومنین علی(ع) درباره حقوق زندانیان(اعم از اسیر و غیر اسیر) در تهیه وسایل تغذیه، لباس تابستانی و زمستانی حتی اگر اسیران از مشرکان باشند تا چه رسد به زندانی مسلمان، منع شکنجه و آزار دشمن در مقابل مجازات شکنجه‌گر و... مانند قتل نظربین حارث به فرمان پیامبر به عنوان جنایتکار جنگی یا قتل ابوغزه و معاویه بن مغیره به ترتیب به جرم پیمان‌شکنی و تبلیغات بر ضد اسلام و در مورد معاویه به جرم جاسوسی به نفع مشرکان و مثله کردن حضرت حمزه که می‌توان آن را با کنوانسیون‌های ژنو که حکم جنایتکاران را از اسیران جدا دانسته و مجازات خاصی برای آنان در نظر گرفته است مقایسه کرد. بدیهی است اقدام پیامبر نه به خاطر صرف حضور در میدان جنگ بلکه به دلیل ماهیت جرم ارتكابی است.^۱ منع کشتار افراد غیرنظامی دشمن از جمله منع شدید پیامبر در قتل کودکان یا زنان ولو آنکه از کفار باشند. منع کشتار کسانی که مجبور به شرکت در جنگ شده‌اند. منع کشتار تسلیم‌شدگان، فراریان از جنگ، اسلام‌آوردگان و مجروحان و اسیران جنگی.^۲ رفتار علی(ع) و فاطمه(س) در بخشش غذا به یتیم و مسکین و اسیر و نزول آیه ۹ و ۸ از سوره انسان آن هم در شأن نمونه یک انسان کامل، حکم قرآن مبنی بر آزاد کردن اسیر با فدیة یا بدون فدیة،^۳ منع کشتار حیوانات در جنگ، توجه به محیط‌زیست به ویژه حدیث جامع نبوی «... درختان را از بیخ نزنید مگر اینکه ناچار باشید، نخل‌ها را نسوزانید و در آب غرق نکنید، درختان میوه‌دار را ریشه‌کن نکنید که خود به آن محتاج هستید، حیوانات حلال گوشت را نابود نسازید مگر به اندازه‌ای که برای تغذیه لازم است، هرگز آب دشمن را آلوده نسازید و حیل و نیرنگ به کار نبرید». یا توصیه امیرالمومنین به امیران ارتش در آن که مبادا به کشاورزان سرزمین دشمن، ستمی روا دارند. بر اساس آیه ۶۱ سوره هود «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» یعنی (خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را از شما خواسته است).^۴ منع تعرض به کلیساها و معابد، منع محاصره اقتصادی دشمن، امان دادن به دشمن، منع تعرض به اموال دشمن به استثنای آنچه مجوز قرآنی دارد (آیه ۴۱ و ۶۹ سوره انفال، آیات ۶ و ۷ و ۸ و ۱۹ و ۲۰ سوره فتح).^۵ احترام به اجساد مردگان مثل حدیث نبوی «اعضای

۱- همان، صص ۳۳۶ و ۳۳۵.

۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، ص ۱۴۹.

۳- سلیمی، عبدالحکیم، پیشین، ص ۳۳۰.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۹۷، ص ۲۵، به نقل از همان منبع، ص ۳۲۳.

۵- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، ص ۱۶۴.

بدن دشمن را بعد از کشتن مثله نکنید»^۱ و نمونه‌های متعدد دیگر، بیانگر نگرش اسلام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به عنوان اصول انسانی مشترک است.

نتیجه‌گیری:

علی‌الاصول در تقسیمات امروزی حقوق، حقوق بشر مجموعه حقوقی است که به هر انسان به صرف انسان بودن تعلق می‌گیرد و شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارهایی می‌شود که به منظور حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است. از سوی دیگر حقوق بشردوستانه که تحت عنوان حقوق جنگ یا حقوق درگیری‌های مسلحانه نیز از آن یاد می‌شود، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است و مشتمل بر قواعدی است که هدف آن حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در مخاصمه شرکت نداشته‌اند یا آن را ترک کرده‌اند و دیگری محدود کردن روش‌ها و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می‌شود. ضمن ارتباط و تداخل موضوع این دو حقوق در سه اصل امنیت، مصونیت و اصل عدم تبعیض و هدف این دو رشته حقوقی در حمایت از انسان، حوزه آن‌ها متفاوت است. حقوق بشردوستانه در موقعیت درگیری‌های مسلحانه اعمال می‌شود. در حالی که حقوق بشر در همه موقعیت‌ها اعم از جنگ و صلح در برابر استبداد دولت قد علم می‌کند. مضافاً آن که اسناد این دو حقوق متفاوت بوده و منشأ پیدایش آن‌ها در حقوق بشر به سازمان ملل و در حقوق بشردوستانه بیشتر به سازمان‌های غیر بین‌المللی برمی‌گردد. ریشه و مبنای حقوق بشر در اسلام هم در قرآن، هم در حدیث هم در اجماع و در نبود این‌ها عقل یا (قیاس) و اجتهاد تنیده است. مفهوم حقوق بشردوستانه نیز در قرآن (از جمله آیه ۴ سوره محمد(ص) آیه ۱۹۰ سوره بقره، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره آل عمران، آیه ۵۵ سوره اعراف، آیه ۸۷ سوره مائده و همچنین آیه ۱۱۲ سوره هود و چند سوره دیگر) و سنت پیامبر اکرم و جانشینان ایشان مشهود است. در پاسخ به اتهامات ضدیت و نقض حقوق بشر در اسلام از سوی دول غربی، وجه تمایز و برتری حقوق اسلام نسبت به حقوق بین‌الملل غربی در رعایت این حقوق را به‌طور خلاصه می‌توان موارد زیر ذکر کرد.

- ۱- به لحاظ قدمت و سابقه اجرای قواعد بشردوستانه و حقوق بشر، اسلام قرن‌ها جلوتر از آنچه است که امروزه غرب به سمت و سوی آن می‌رود. اگر نقطه آغاز حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در غرب به قرن نوزدهم برمی‌گردد در اسلام به زمان ظهورش یعنی حدود ۱۲ قرن قبل از غرب بازگشت می‌نماید.

- ۲- در اسلام تفکیکی میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه وجود ندارد و حقوق بشر چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ قابل اجراست. در صورتی که در عرصه بین‌المللی تنها از کنفرانس ۱۹۶۸ تهران به بعد صحبت از رعایت حقوق بشر در زمان جنگ است و هنوز هم در سطح بین‌المللی در این خصوص یک اجماع کامل وجود ندارد.
- ۳- دامنه شمول و ضمانت اجراهای این حقوق به ویژه حقوق بشر در زمان جنگ در اسلام گسترده‌تر و آمرانه‌تر است. در اسلام علاوه بر بُعد حیات و رعایت «هسته سخت مشترک»، (در حقوق بشر و بشردوستانه، بر حقوق مالکیت، حمایت از اموال، حیوانات و... نیز تاکید می‌شود و ضمانت اجرای نقض هم عذاب اخروی است و وجدان و معنویت عامل بازدارنده است نه صرف تهیه یک گزارش و احیانا اعلام و تذکر.
- ۴- مقررات اسلام در مورد حقوق زمان جنگ هم در مورد جنگ‌های داخلی اعمال می‌شود و هم در مورد جنگ‌های خارجی و بین‌المللی. در صورتی که جامعه بین‌الملل مرکب از کشورها حقی را برای شورشیان و مبارزان داخلی به رسمیت نمی‌شناسند. چه آنکه هر آینه بیم آن می‌رود که شناسایی چنین حقوقی به مفهوم پیدایش یک شخصیت حقوقی مجزا از دولت موجود و مهر تاییدی بر مبارزات شورشیان باشد.
- ۵- در مقایسه اعلامیه اسلامی حقوق بشر با اعلامیه جهانی حقوق بشر اگر کاستی‌هایی در اعلامیه اسلامی وجود دارد، مزایا و امتیازاتی نیز مندرج است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر موجود نیست.
- ۶- علیرغم ممنوعیت صریح حق مقابله به مثل در اسناد مربوط به حقوق بشردوستانه (کنوانسیون ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷) در حقوق بین‌الملل عرفی، کشورها چنین حقی را برای خود قائلند. در صورتی که در متون اسلامی مقابله به مثل، به ویژه علیه غیرنظامیان مطرود است.
- جمله پایانی آن که اگر مبنای ایجاد قواعد حمایتی از نوع بشر را فطرت پاک انسانی و انسان‌دوستی بدانیم، حقوق بین‌الملل اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی ریشه و هدف مشترکی دارند و ما همواره بر آنیم که:
- بنی‌آدم اعضای یکدیگرند
 که در آفرینش ز یک گوهرند
 چو عضوی به درد آورد روزگار
 دگر عضوها را نماند قرار
 تو کز محنت دیگران بی‌غمی
 نشاید که نامت نهند آدمی

فهرست منابع و مآخذ فارسی:

الف- کتب:

- ۱- حمیدآبادی، محمد، حقوق و روابط بین الملل در اسلام، جلد اول، ترجمه دکتر مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۲- سلیمی، عبدالحکیم، نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- ۳- شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر (نظریه ها و رویه ها)، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
- ۵- نعیم احمد، عبدآبادی، نوآندیشی دینی و حقوق بشر، درآمدی بر بازخوانی حقوق اسلامی، ترجمه حسنی نوری ها، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶- یزدی، عبدالحمید، نگاهی به مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت از دیدگاه اخلاق و حقوق اسلامی در مجموعه «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت» تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، فروردین ۱۳۸۳.

ب- مقالات و تقریرات:

- ۷- آلد ریچ، اس.اچ، رعایت قوانین انسان دوستانه بین المللی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره بیست و ششم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، آذرماه ۱۳۷۰.
- ۸- بوازرا، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مویدی، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان» پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۹- پیمان، حبیبآبادی، حقوق بشر ارزش های درون دینی اند، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان، پژوهش» و تدوین محمد بسته نگار، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۱۰- ...، فرخوان جاودانه به آزادی، تهران، انتشارات چاپخش ۱۳۷۷، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

- ۱۱- جرداق، جرج، علی و حقوق بشر، مقایسه‌ای بین اصول امام علی (ع) و اصول اعلامیه حقوق بشر، ترجمه سید هادی خسروشاهی، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۱۲- جعفری تبریزی، محمدتقی، سه اصل اساسی از اصول و مبانی حقوق بشر در اسلام، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۱۳- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۱۴- زارعی، محسن، سخنرانی با عنوان مبانی و مکاتب حقوق بشر و رویکرد دولت‌ها به آن، اولین دوره کارگاه‌های آموزشی حقوق بشر، تهران، زمستان ۱۳۸۳، دانشکده اقتصاد و آمار دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۵- زمانی، سیدقاسم، تقریرات درسی حقوق بین‌الملل بشر، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نیمسال دوم تحصیلی سال ۸۳-۸۲.
- ۱۶- شاهمرادی، سید حسین، ارزش‌های محوری انسان‌دوستانه در اسلام در چارچوب میزگردهای ۴ گانه (اوچا) گفتگو پیرامون چالش‌های کمک‌های انسان‌دوستانه، تهران، فروردین ۱۳۸۴، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۱۷- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌المللی بشر، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۱۳۸۲، انتشارات سرسم.
- ۱۸- تقریرات درسی حقوق بین‌المللی اسلام، تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، نیمسال اول ۸۴-۸۳.
- ۱۹- عزت، هبه رئوف، امکان همزیستی شریعت و حقوق بشر، ترجمه محمود محمودی، روزنامه کردی، فارسی روزه لات (شرق) شماره ۳۲، دوشنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۸۴.
- ۲۰- علی، امیر، روح سیاسی اسلام، ترجمه ایرج رزاقی، محمدمهدی حیدرپور، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۲۱- قربانی، زین‌العابدین، اسلام و حقوق بشر، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

- ۲۲- مبشری، اسدا...، اسلام و حقوق بشر، مجموعه «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۲۳- محقق داماد، مصطفی، جایگاه حقوق بشردوستانه در علم سیر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین، همایش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، انتشارات سرسم، ۱۳۸۲.
- ۲۴- محمضانی، صبحی، اصول حقوق بین‌الملل از دیدگاه دکترین اسلامی، ترجمه دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۴ و ۱۳۳، تهران انتشارات شرکت ایرانچاپ.
- ۲۵- هنکین، لویی، حقوق بشر از آرمان تا واقعیت و چشم‌انداز آینده آن، ترجمه فرشید سرافراز، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی سال نوزدهم، شماره ۲۰۵ و ۲۰۶، تهران، مهر و آبان ۱۳۸۳.

ج- اسناد:

- ۲۶- آشنایی با حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به انضمام قراردادهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، تدوین کمیته ملی حقوق بشر دوستانه ایران، تهران، لیتوگرافی باختر، تابستان ۱۳۸۱.
- ۲۷- آشنایی با کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، تهیه و تنظیم دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، انتشارات اداره کل روابط عمومی جمعیت هلال احمر، اردیبهشت ماه ۱۳۸۰.
- ۲۸- مجموعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پاسخ به سوالات شما، ترجمه هاجر سیاه‌رستمی، به کوشش کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.

انگلیسی

د- کتب:

- 29-A. An-Naim, Toward an Islamic reformation, civil liberties human rights and international law, syracuse university press, 1990.
- 30-Ali sardar, shaheen, gender and human rights in Islam and international law, equal Before Allah, unequal Before man?, Hague, klawer law international press, 2000.
- 31-Arkoune, Mohammad, R Boulder co, westview press, 1994.

- 32-El-Gindy, Gamil Mohammed, The shura and human rights in Islamic law the relevance of democracy in The rule of law the middle east and the Islamic world, human rights and the judicial process, London, 2000 I.B.Tuaris co ltd press.

ه- اسناد و مقالات

- 33-Four Round tables on Dialogue on the humanitarian assistance challenges by united nation office for the coordination of humanitarian affairs (OCHA), Tehran-university, faculty of law and political science. 18-20 April 2005.
- 34-javad, Amuli, Abdullah, sources of human rights in Islam in "Islamic views on human rights view point of Iranian scholars" Al-Hoda .press, London, 2001
- 35-Muhaqqig Damad, Sayyid, Mustafa, international humanitarian law in Islam and view point of Iranian "Islamic views on human rights" cotemporary international law in scholars, London, Al- Hoda press, 2001.
- 36-Rory, Richard, Human rights, rationality and centimentiality "on human rights" oxford Amnestly lectures, 1993, Stephen Shute and Susan Hurleyed, 1993.